«سیری در سفرنامه ناصرخسرو» در شهر کتاب

برنامه آینده موسسه شهر کتاب با عنوان «سیری در سفرنامه ناصرخسرو» با سخنرانی محمدجعفر یاحقی استاد دانشگاه فردوسی مشهد برگزار می‌شود. مشهورترین اثر ناصرخسرو، سفرنامه اوست که دربردارنده یادداشت‌های روزانه سفر هفت ساله او از ۴۳۷ تا ۴۴۴ ق. به ایران، آسیای صغیر، شامات، عربستان و مصر است. سومین مجموعه درس‌گفتارهایی درباره ناصرخسرو چهارشنبه اول و هشتم بهمن ساعت ۱۶:۳۰ به شرح و بررسی سفرنامه ناصرخسرو اختصاص دارد که با سخنرانی محمدجعفر یاحقی ـ استاد دانشگاه فردوسی مشهد ـ در مرکز فرهنگی شهر کتاب واقع در خیابان شهید بهشتی، خیابان شهید احمد قصیر (بخارست)، نبش کوچه سوم برگزار می‌شود.

کاوش

یک سوال از مارکس

تغییر بدون تعبیر ممکن است؟

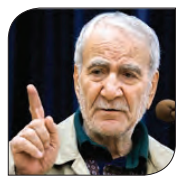

غلامحسین ابراهیمی دینانی
استاد فلسفه

مطلق و مقید اصل و اساس عالم است که اگر این مساله برای بشر حل می‌شد، شاید تمام مسائل حل می‌شد. مخاطبان شاید مطرح کنند که مگر مطلق و مقید چقدر مهم است که بنده این گونه می گویم؟ مطلق اصل هستی است؛ بدون مقید نیست بلکه همان کسی که می گوید مطلق خودش قیدی دارد. مطلق اگر مقید نداشت ظاهر نمی‌شد. مقید هم بدون مطلق معنی ندارد. هستی بماهو هستی صرف‌نظر از قید را می توانیم بفهمیم که هست ولی نمی توانیم نشان دهیم. اگر این مساله را جهان می فهمید ما خیلی از مشکلات را نداشتیم. جهان امروز که جهان علم است جهان مقید است و ما از آزمایشگاه همه چیز را می بینیم. اما همیشه مقید می بینید و علم اصلا مطلق را نمی تواند ببیند اما یک دانشمند می داند مقید بدون مطلق معنی ندارد. جهان حقیقی بدون انسان حقیقی قابل فهم نیست؛ جهان حقیقی را انسان مجازی نمی فهمد بلکه انسان حقیقی می فهمد. بنده بازی با واژه‌ها را دوست دارم. ما یک وقت عالم را تعبیر می کنیم یک وقت تغییر. مارکسیست‌ها و حتی پوزیتیویست‌ها و در رأس آنها مارکس این ادعا را کرد که تاکنون فلاسفه و متفکران عالم جهان را تعبیر کرده‌اند. من آمده‌ام که جهان را تغییر دهم و از تعبیر گذشته‌ام. اگر مارکس اینجا بود من سوال می کردم آیا کسی که تعبیر عالم را نداند می تواند جهان را تغییر دهد؟ تغییر بدون تعبیر ممکن است. زمانی شما می توانی چیزی را تغییر دهی که آن را بشناسی. اگر عالم را بشناسی آری می توانی آن را تغییر دهی و وقتی می توانی آن را تغییر دهی که خود را تغییر داده باشی. جهان حقیقی در اثر فهم انسان حقیقی است و تغییر عالم در گرو توصیف و تعبیر عالم است. اگر به درستی نتوانی آن را تعبیر کنی هرگز قادر نخواهی بود آن را تغییر دهی.

منبع: فارس

نظر

درباره نواندیشی دینی و تفاوت‌های آن با روشنفکری دینی

نواندیشی با آگاهی بخشی آغاز می‌شود

محمدعلی ایازی
استاد حوزه و دانشگاه

نواندیشی دینی امری ضروری است و تفاوت مهم آن با روشنفکران دینی اکتفا نکردن به طرح مساله و ارائه راه‌حل هایی با قابلیت اجرایی است. تفاوت نواندیشی دینی در این جهت است که فقط فکری برای طرح و تئوری ندارد. فکر می کند باید راهکارها و روش‌های اجراپذیر و عملی را هم برای جامعه خویش به یاد داشته باشد و از این موضوع من نتیجه می گیرم که باید نواندیشی دینی واقع گرا باشد. نواندیشان دینی در عین حالی که به سنت دینی پایبندی دارند و به فکر اصلاح دینی هستند، با واقعیات جامعه خویش نیز بیگانه نیستند و براساس همین واقعیات است که به اولویت مباحث، شیوه طرح مباحث به دغدغه‌های خود در قالب نواندیشی دینی طرح و نسخه ارائه می دهد.

در عین حال نواندیشی دینی خالی از آسیب نیست. آسیبش این است که این حرف‌ها گاهی پختگی ندارد؛ یعنی آن انسجام لازم را هنوز پیدا نکرده است. منتها اگر در جامعه تحمل شنیدن به وجود آمد، آرام‌آرام این بحث‌ها با تلاقی و تعامل پخته می‌شود و شکل صیقل یافته پیدا می کند. طرح مسائل براساس اولویت‌ها، زبان و ادبیاتی که مانع بدفهمی شود، نشان دادن راه‌حل‌ها و طرح‌های جایگزین و اجرا پذیر بودن پیشنهادات چند شاخص مهم برای نواندیشی دینی و اقناعی بودن از خصوصیات کار نواندیشان دینی است.

نواندیشی دینی با دو دغدغه «پیشرفت» و «معنویت و اخلاق» توام است؛ نواندیشی اصلا خصلت اصلاح گری را دارد و قهرا نگاهی به جلو و آینده دارد، پس به فکر پیشرفت هم هستند. فکر می کنند وضعیت موجود از چه مشکلاتی رنج می‌برد، با چه موانعی مواجه است و چه آسیب‌هایی را دارد. مطالعاتش و راهکارهایش در این قالب است که چه کار کند تا از این وضعیت موجود خارج شود. آگاهی‌بخشی اولین وظیفه نواندیش دینی است. یک متفکر نواندیش فکر می کند اولین کاری که بکند این است که آن آگاهی را به بخش فرهیخته و بعد به بدنه اجتماعی انتقال بدهد که ما چه کار باید بکنیم و چه ضرورت‌ها و باستگی‌هایی باید انجام بدهیم. پس اولین حرکتش معرفت‌زایی و معرفت‌بخشی به جامعه در سطوح و طبقات مختلف است. یکی از راه‌های معرفت‌زایی، رساندن نخبگان جامعه به یک اجماع یا به نوعی اتفاق در مبانی است. نواندیشان دینی، روشی را برای معرفت‌زایی فراهم می کنند تا زمینه‌های توافق در قالب نشست‌ها، هم‌اندیشی‌ها و سمینارها به وجود آید و آنها بتوانند به هدف‌شان که همان معرفت‌زایی است، برساند. کسانی که دغدغه دین را دارند، فکر می کنند بحران‌هایی در حال و آینده داریم که ما را تهدید می کند. یک نواندیش دینی باید راهی را پیدا و براساس آن حرکت کند و نسل جدید را از این راهنمایی کند. این کار خیلی سخت و دشوار است.

منبع: مهر

معنای فلسفه در گفت‌وگو با علی‌رضا صدرا

معنای فلسفه جهانشمول است

سیرانوش موسوی | قلمرو اصلی فلسفه، همانا پهنه بی‌پایان هستی است. فلسفه، علم هستی‌شناسی است و با بود و نبود اشیا سر و کار دارد، از این جهت فلسفه می کوشد کلی‌ترین اموری را که انسان با آنها روبه‌رو است، تبیین عقلانی کند. مثلا انسان در حوزه علوم تجربی برای تبیین عقلانی مبانی کلی و پایه‌های اصلی این علوم، مانند اصل واقعیت داشتن جهان خارج، اصل علیت و اصولی نظیر اینها، به فلسفه نیازمند است. این اصول و مبانی اگرچه نقطه اتکای همه علوم به حساب می آیند ولی خود در هیچ یک از این علوم مورد بررسی قرار نمی گیرند. دانشی که عهده‌دار تحقیق در این اصول است، فلسفه نام دارد. علی‌رضا صدرا، عضو هیات‌علمی دانشگاه علوم سیاسی دانشگاه تهران، در گفت‌وگو با فرهیختگان ضمن ارائه تعریفی جامع از فلسفه به دلایل شکل گیری نظرگاه‌های مختلف در مکاتب فلسفی اشاره می کند.

به نظر شما می توان برای فلسفه معنای فلسفی در نظر گرفت؟

فلسفه‌پژوهان فارسی‌زبان، فلسفه را مترادف فرزانگی تعریف کرده‌اند اما این مفهوم در زبان یونانی به معنی دانش راستین در نظر گرفته شده است؛ گاه به معنی دوستی و دوست داری حقیقت نیز از آن یاد می کنند. به نظر من برای فلسفه می توان دو معنای اعم و اخص قائل شد. فلسفه در معنای اعم همان حکمت است و فلسفه به معنای اخص در حقیقت همان شناخت حقیقت پدیده‌هاست. وقتی ما در وجود هستی از ضرورت هر پدیده‌ای صحبت می کنیم و می گویم هست یا نیست یا بایسته است یا بایسته نیست در واقع از حقیقت پدیده‌ها پرسش کرده‌ایم. گاهی یک پدیده ممکن است در عالم اخلاق، علم و سیاست نمودار شود. اما همان‌طور که اشاره شد فلسفه به معنای اخص عبارت است از چرایی پدیده‌ها. در چرایی پدیده‌ها صحبت از حقیقت هستی می شود که به نوعی هستی‌شناسی است.

اگر می توان برای فلسفه معنای جهانشمولی در نظر گرفت چگونه است که در رهگذر زمان مکاتب مختلف با دیدگاه‌های متعارض شکل گرفته‌اند؟

برای حکمت و فلسفه می توانیم معانی جهانشمولی در نظر بگیریم. اما چیستی‌شناسی قضیه‌ای دیگر است. به نظر من چیستی‌شناسی منقول است، به همین خاطر است که فارابی به آن عالم مثل می گوید. از این رو است که افلاطون می گوید سروش غیبی به من الهام می کرد و از بالا برایم پیام‌هایی آورده می‌شد که به تعبیر فارابی تا ملاصدرا این الهامات قلبی هستند. درست است که این درک‌ها قلبی‌اند اما به نوعی فلسفه محسوب می‌شوند؛ البته به معنای اعم. فلسفه عقلی و جهانشمول است اما شناخت ماهیت و چیستی پدیده‌ها نقلی است و اینجاست که نظر مکاتب جدا می‌شود و می گوید مکاتب سیاسی غرب و اسلام به‌عنوان نمونه مفهوم دولت در همه جا یکسان و به نوعی جهانشمول است و در همه حکمت‌ها موضوعیت پیدا می کند.

اما مفهوم امنیت و نظم بستگی به مکاتب مختلف دارد، پس باید بگوییم بحث از شاخه‌ها موضوع دانش است ولی بحث از مبانی و ماهیت بحث‌هایی هستند که وارد مکاتب می‌شوند. همان‌طور که اشاره کردم فلسفه محض از چیستی و هستی صحبت می کند، از حقیقت و ماهیت پدیده‌ها؛ یعنی سخن از چگونگی دانش است. بنابراین فلسفه به معنای اعم عبارت است از حکمتی که مساوی با شناخت حقیقت و ماهیت پدیده‌هاست.

آیا مفهوم فلسفه در رهگذر زمان و در مکان‌های مختلف متفاوت است؟

همان‌طور که اشاره کردم این تعاریف جهانشمول، فرازمانی و فرامکانی هستند، اما در ماهیت آنها تغییر ایجاد می‌شود. به‌عنوان نمونه عدالت در اسلام مترادف با عدالت اجتماعی تعریف شده است اما فیلسوفی سیاسی عدالت را مترادف با نفع‌انگاری در نظر می گیرد، پس این مفهوم در گذر زمان می تواند تغییر پیدا کند. اگر زمان را به معنای تاریخ در نظر بگیریم قطعا موثر است، چراکه بشر در گذر زمان تکامل پیدا می کند تا از طریق این تکامل ماهیت‌ها را درک کند. مثلا ما در حال حاضر آماده نیستیم تا جهان «مهدوی» را درک کنیم اما این به آن معنا نیست که ائمه یا معصومین این موارد را درک نمی کردند، چراکه جامعه باید تحول پیدا کند و آماده شود تا بتواند ماهیت را درک کند. گاهی ممکن است ما ملی یا شرعی فکر کنیم اما کسی که می خواهد جهانی بیندیشد باید تکامل پیدا کند. روح انسان در زمانی که کودک است تغییر نمی کند و من در رهگذر زمان دو من نمی‌شود، اما به تکامل می‌رسد پس باید بگوییم عنصر زمان و حتی عنصر مکان در اصل وجودی انسان تاثیری ندارد ولی در ماهیت‌ها تاثیر می گذارد. اشیا مربوط به حوزه دانش است و روزبه‌روز در حال پیشرفت است. مظاهر فلسفی و مدنی لحظه به لحظه و از زمانی به زمان دیگر تغییر می کنند. تغییرات از مکتبی به مکتب دیگر صورت می گیرد. کسی که ماتریالیست است و هستی را می خواهد تحلیل کند با کسی که نگاه الهی دارد متفاوت است. این افراد در اینکه در محقق شدن طبیعت علتی وجود دارد اختلافی ندارند اما در شناخت ماهیت با یکدیگر هم عقیده نیستند. بنابراین مکاتب همانا متحول می‌شوند حتی دین اسلام هم از ابتدای رسول اکرم(ص) تاکنون تکامل پیدا کرده است، چراکه فهم بشر از این معارف در حال تکامل است نه خود دین.

درسگفتار فلسفه

معنا و مفهوم فلسفه در اسلام

سیدحسین نصر
فیلسوف مسلمان

صاحب‌نظران مسلمان در مکاتب فکری مختلف، طی قرن‌ها تلاش کرده‌اند معنای «حکمت» و «فلسفه» را در پرتو قرآن و حدیث، که لفظ «حکمت» در هر دوی آنها آمده، تعریف کنند. اصطلاح «فلسفه» از طریق ترجمه‌های یونانی قرن‌های دوم-هشتم و سوم-نهم به زبان عربی وارد شد. از سویی، در تمدن اسلامی، فلسفه را به آن معنا که در زبان انگلیسی مصطلح است، نه‌فقط باید در مکاتب مختلف فلسفه اسلامی بلکه علاوه بر آن در ذیل دیگر عناوین، به‌ویژه مباحث کلام، معرفت، اصول فقه و علوم جست‌وجو کرد. البته این جدا از موضوعاتی نظیر صرف و نحو و تاریخ است که منشا توسعه شعب خاصی از فلسفه شده است. از سوی دیگر، در هر مکتب فکری سعی بر آن بوده تا مقصود از «حکمت» یا «فلسفه» بر حسب دیدگاه خاص آن مکتب تعریف شود و این امر پیوسته در کانون توجه مکاتب گوناگون فکری و خصوصا مکاتب فلسفه اسلامی بوده است.

در تاریخ اسلام، اصطلاحات به کار رفته برای فلسفه اسلامی و نیز مناقشات فی‌مابین فیلسوفان و متکلمان و احیانا متصوفه بر سر معنای این اصطلاحات از یک دوره به دوره بعد نه به‌طور کامل بلکه تا حدودی در حال تغییر بوده‌است. در حالی که «حکمت» و «فلسفه» همچنان مصطلح بود، اصطلاحاتی از قبیل «حکمت الهی» و «حکمت متالعیه» معنایی تازه پیدا کرد و در قرون متاخر تاریخ اسلام و خصوصا در مکتب فلسفی ملاصدرا رواج یافت. بیشترین مناقشه بر سر لفظ «حکمت» درمی گرفت که هم متصوفه و هم متکلمان و هم فیلسوفان آن را از آن خود می دانستند و جملگی به احادیثی نظیر «علیک بالحکمه، فإنّ الخیر فی الحکمه» تمسک می جستند. صوفیانی مانند «ترمذی» را «حکیم» می نامیدند و ابن‌عربی حقیقت ظاهر شده در هر یک از مظاهر «کلمه» را، چنانکه در عنوان اثر معروف وی یعنی «فصوص الحکم» نیز مشهود است، «حکمت» می خواند، حال آنکه متکلمان بسیاری نظیر فخر رازی معتقد بودند این کلام است که «حکمت» است، نه «فلسفه» و ابن‌خلدون نیز آنجا که کلام متاخرین را فلسفه یا «حکمت» می‌نامد همین رأی را تایید می کند.

بحث ما در اینجا عمدتا معطوف به تصوری است که فلاسفه اسلامی از تعریف و معنای فلسفه و اصطلاحات «حکمت» و «فلسفه» داشته‌اند. بدیهی است این تصور آنچه را یونانیان از اصطلاح «فیلوسوفیا» درک می کردند و نیز بسیاری از تعاریف مأخوذ از منابع یونانی را که صرفا با اندکی جرح و تعدیل به زبان عربی راه یافته بود در برمی گرفت. فیلسوفان مسلمان بر سر تعاریفی که از ماخذ قدیم به ایشان به میراث رسیده بود تامل کردند و ضمن اعتقاد به اینکه «حکمت» اصل و منشا الهی دارد «فلسفه» را با حکمت یکی دانستند. ابویوسف یعقوب بن اسحاق کندی، نخستین فیلسوف مسلمان است که در کتاب الکندی الی المعتصم بالله فی الفلسفه الأولی خود می نویسد: «در میان فنون آدمی فن فلسفه از همه والاتر و شریف‌تر است و تعریف آن عبارت است از علم به حقایق اشیا به اندازه توانایی آدمی، زیرا غرض فیلسوف در علمش رسیدن به حق و در عملش عمل کردن به حق است»

منبع: کانون اندیشه جوان

دریچه

خبرنامه

نشست علمی «موضوع فلسفه» برگزار می‌شود

به همت گروه فلسفه پژوهشکده حکمت و دین‌پژوهی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی نشست تخصصی موضوع فلسفه، دوشنبه ۲۹ دی با سخنرانی استادان حوزه و دانشگاه در تالار معرفت پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی دفتر قم برگزار می‌شود. در این نشست علمی حسین عشاقی به‌عنوان ارائه‌دهنده بحث به تبیین عنوان نشست یعنی موضوع فلسفه خواهد پرداخت. این نشست از ساعت ۱۰ صبح تا ۱۲ به آدرس قم، بلوار پانزده خرداد، خیابان شهید میثمی برگزار می‌شود.

فبک در ترازو

گروه فلسفه و فکرپروری برای کودکان و نوجوانان (فبک) پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی دوازدهمین نشست از سلسله نشست‌های ماهانه فعالان و مربیان برنامه فلسفه برای کودکان با عنوان «فبک در ترازو (نگاهی انتقادی به برنامه فلسفه برای کودکان از منظر فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی)» را با حضور خسرو باقری نوع‌پرست برگزار می کند. این مراسم سه‌شنبه ۷ بهمن ۹۳ از ساعت ۱۵ تا ۱۷ در سالن حکمت واقع در بزرگراه کردستان، خیابان ایرانشناسی (۶۴)، برگزار می‌شود.

«از انعطاف‌پذیری تا شورش» منتشر شد

کتاب «از انعطاف‌پذیری تا شورش (تلاش برای فهم پدیده انقلاب‌های عربی)» کتابی از پائول آرتز با ترجمه رضا التیامی‌نیا و علیرضا سمیعی اصفهانی روانه بازار نشر شد. این کتاب در ۱۰ فصل به بررسی انقلاب‌های عربی پرداخته و آنها را مورد بررسی قرار داده است. این کتاب در ۱۸۸ صفحه به همت انتشارات تیسا منتشر شده است.

رپرتاژ

برگزاری نشست شورای سیاستگذاری دومین همایش ملی تازه‌های سلولی و مولکولی در واحد پرند

دومین همایش ملی تازه‌های سلولی و مولکولی پاییز ۱۳۹۴ در واحد پرند برگزار خواهد شد این همایش با حضور جمعی از استادان و اندیشمندان این حوزه، سه‌شنبه ۲۳ دی‌ماه در سالن جلسات دانشگاه آزاد اسلامی واحد پرند برگزار شد.

در ابتدای این جلسه محمد قمی، سرپرست دانشگاه آزاد اسلامی واحد پرند ضمن خوشامدگویی به میهمانان، بر اهمیتی که اسلام در کنار تقوا و جهاد برای کسب علم و دانش قائل است، تاکید کرد. وی دانش بشری را به دو دسته علم نافع و علم مضر تقسیم کرد و برگزاری سمینارهای علمی را در کشور فرصتی برای معرفی و اهمیت دادن به علم نافع دانست. قمی آمال علم را شناخت خداوند و خدمت به رفاه، آسایش و رفع مشکلات بشر بیان و ابراز امیدواری کرد این همایش بتواند گامی هرچند کوچک در راستای ارائه علم نافع بردارد.

در ادامه این جلسه که با سرپرستی دکتر سعید ذاکربستان‌آباد معاون پژوهشی و عضو هیات‌علمی گروه زیست‌شناسی این واحد دانشگاهی و استادان فرهیخته همچون احمد مجد (چهره ماندگار زیست‌شناسی کشور)، مهدی شکرابی، یوسف شفقتی، سیدعلی نجومی، علیرضا ایران‌بخش، مریم تاج‌آبادی، سلیمان‌پور، پریور، محمد طاهری، فروزان کریمی، بهرام کاظمی، مسعود صالحی‌پور، وحید ناصح، پروین خدارحمی، فرزانه تفویضی، عبدالرزاق هاشمی‌شهرکی، کامبیز کامیاب‌حصاری و... برگزار شد با کسب حداکثر آرا، زمان برگزاری همایش پاییز سال آینده در نظر گرفته شد و کارگروه‌های تخصصی آن به شرح زیر توسط اعضای شورا پیشنهاد و تصویب شد:

۱- ژنتیک، بیوشیمی و بیماری‌های متابولیک
۲- علوم سلولی، مولکولی و تکوینی
۳- فیزیولوژی و فارماکولوژی
۴- نانوبیوتکنولوژی و بیوتکنولوژی
۵- سلول‌های بنیادی، کشت سلول و بافت
۶- هماتولوژی، آناتومی، پاتولوژی و انکولوژی
۷- میکروبیولوژی، ایمونولوژی و پروبیوتیک

همچنین مقرر شد در زمان برگزاری همایش میزگردی در مورد تجاری‌سازی یافته‌های پژوهشی در حوزه زیست‌فناوری تشکیل شود و نیز از شرکت‌های دانش‌بنیان دعوت شود تا طی زمان برگزاری همایش به ارائه محصولات خود بپردازند. علاوه‌براین با برگزاری نمایشگاه فن‌بازار با رویکرد زیست‌فناوری طی زمان برگزاری همایش موافقت شده است. همچنین مقرر شد مقالات برگزیده همایش در مجلات معتبر بین‌المللی که با همکاری دانشگاه آزاد اسلامی منتشر می‌شوند، چاپ شود.